بیان علامه شعرانی پیرامون تعدد قرائات در زمان رسول الله

شاگرد: یک وقتی هست که میخواهیم به حرف نجم الائمه احتجاج کنیم و بگوییم او تواتر قرائات سبع را قبول داشته ای نه؟ من میخواهم بگویم کسی که تواتر را قبول ندارد نیازی نیست که حتما ًتک قرائتی باشد. من پنج قرائتی ای ده قرائتی هستم اما تواتر سبع را قبول ندارم. فعلا ًمحل استناد این است که ایشان تواتر را قبول ندارد.

استاد: ببینید کسانی که در بعضی از مسائل کار کردهاند، کلماتشان جور دیگری است. وقتی علامه طباطبائی میگویند که این قرائات به چه شکل است، کلام کسی است که یک عمر کارش اینها بوده. آن هم در آخر عمر در یک مجلس میگویند. مجلس هم ضبط شده و بعد پیاده شده. در آن کتاب تصریح کردهاند. من اینها را آوردهام. ایشان میگویند ما این را از علامه طباطبائی ضبط کردیم و بعد از مجلس آمدیم آن را پیاده کردیم. یعنی چیزی نیست که از حافظه نوشته باشند. وقتی ایشان این را میگویند، میبینید حرف کسی است که کارش تفسیر بوده. نه اینکه عمرش را در اصول کار کرده باشد و بعد حالت اشتیاق روحی پیدا کند که در قرآن هم قلم فرسایی کند. خیلی تفاوت میکند. من دیروز تفسیر منهج الصادقین را عرض کردم.

آقای شعرانی کل منهج را تحقیق کردهاند و حاشیه زدهاند. کل مجمع البیان را تحقیق کردهاند و حاشیه زدهاند و چاپ شده است. صریح عبارت حاج آقای حسن زاده است که در درس هم میگفتند. میگفتند ما باء بسم الله مجمع البیان را تا تاء تمت نزد آقای شعرانی خواندیم. اینها یک همتی میخواهد. شوخی نیست. خب کسی که به این صورت بحث کرده و کار کرده، آمده یک مقدمهای بر منهج الصادقین نوشته است. شما عباراتشان را نگاه کنید. به یک نحو محکمی می فرمایند؛ عباراتشان مثل کسی است که کار کرده است. چون کار کرده به این صورت می گوید. در صفحه چهارم ایشان اختلاف القرائه را مطرح میکنند و به زمان خود حضرت میبرند و از آن جا شروع میکنند. میگویند:

> **در زمان پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله جماعتی معلم قرآن بودند. از جمله آنان ابی بن کعب و عبد الله بن مسعود هستند. هر یک مصحفی داشتند و در پاره ای از کلمات و حروف با یکدیگر مختلف بودند و اختلاف آنان را پیامبر میدانستند. چون پیوسته قرآن را بر پیامبر عرضه میکردند. و هر چه صحیح نبود، منع میفرمود.**

از اینجا شروع می‌کنند و این اختلاف و تعدد را به همان زمان می‌برند. عین عبارت مسالک و جواهر که می‌گفتند در آن زمان بود؛ وقتی حضرت می‌خواستند بگویند که مهر خانم تو این است که قرآن را به او تعلیم کنی، با اینکه اختلافات بود حضرت تعیین نکردند. پس تعیین نیاز نیست. شیخ طوسی فرمودند و در مسالک هم فرمودند. از جاهایی که مرحوم شیخ در مبسوط فرمودند نیز همین بود. ایشان اینها را می‌گویند ولو به‌صورت متنی نیست.

اختلاف مصاحف عنوان دیگری است. بعد مدارک قراء را ذکر می‌کنند. آیا مدارک قراء اجتهاد است؟ محکم می‌گویند که اصلاً اینطور نیست که مدارک قراء اجتهاد باشد. می‌گویند «القرائة سنة متبعة». قاری تا از استادش نشنیده بود نمی گفت. این صفحه هشتم مقدمه منهج است. کتاب ایشان در نرم‌افزار مجموعه آثار علامه شعرانی هست. اینها در آن جا هست اما تصویری است. یعنی از این صفحات عکس گرفته‌اند. این مقدمه را دارد ولی به‌صورت عکس است.

آن چه که منظور من است این است: بعد از مدارک القراء به تواتر قرائات سبع می‌رسند. خیلی خوب این بحث را مطرح می‌کنند. می‌گویند ما در اینجا دو بحث داریم.

«دو مطلب بیان کردیم. یکی آنکه قراء سبعه و غیر آنان خود اعتماد بر متواتر کرده‌اند». یعنی همان احتمالی که ما الآن می‌خوانیم و صاحب مفتاح الکرامه می‌گویند. ایشان هم همین را می‌گویند اما همین بحث را شخصی مثل صاحب جواهر می‌گویند «توجس بلادریه»؛ یعنی چرا شما می‌گویید عاصم از متواتر زمان خودش برای ما می‌گوید؟! بعد هم شروع می‌کنند به‌دلیل آوردن. البته دلیل های ایشان می‌تواند مورد مناقشه باشد. اگر هم خواستید بعداً بحث می‌کنیم. اما تواتر را در این ناحیه بیان می کنند.

بعد حدیث «نزل القرآن علی سبعة احرف» را مطرح می‌کنند. دو-سه مطلب خوب دارند. اینها برای آقای شعرانی است. کسی که به‌عنوان استاد مجمع البیان از باء بسم الله تا تاء تمت. محقق این کتاب هستند. محقق منهج. این را ایشان فرموده‌اند. من این را ندیده بودم؛ زحمت کشیده‌اند در ده جلد کتاب نصوص فی علوم القرآن را نوشته اند. در جلد نهم این بود و من به دنبالش رفتم.

بازبینی #4
ایجاد شده 20 مارس 2024 20:03:28 توسط ... .
به روزرسانی شده 14 مه 2024 15:43:13 توسط ... .